

به نام خدا

مجلات آموزشی فیزیک

(سوم)

• الکتریسیته ساکن

• خازن

• مدارهای الکتریکی

• مغناطیس

• القای الکترومغناطیس

از مجموعه کتابهای رتبه‌ساز

انتشارات آرشین

۱۳۹۴

سرشناسه: محبی، غلامرضا - ۱۳۵۷
عنوان و نام پدیدآور: مجلات آموزشی فیزیک - (سوم) - الکتریسته ساکن - خازن - مدارهای الکتریکی - مغناطیس - القای الکترومغناطیس
مشخصات نشر: آرشین، ۱۳۹۴
فروست: مجموعه کتاب‌های رتبه‌ساز
مشخصات ظاهری: ۸۱ ص، ۲۲ × ۲۹ س م
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۹-۰۴-۹
وضعیت فهرست نویسی: فیا
شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۰۴۸۰۳



عنوان کتاب: مجلات آموزشی فیزیک
(سوم)

الکتریسته ساکن - خازن - مدارهای الکتریکی - مغناطیس - القای الکترومغناطیس

مجموعه کتاب‌های رتبه‌ساز

مؤلف: غلامرضا محبی

مدیر مسئول: یحیی سی

مدیر تألیف: زهره میرزا

نوبت چاپ: اول - ۳۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۹-۰۴-۹

آدرس و شماره تماس: خیابان جمالزاده جنوبی، روبه‌روی کوچه رشتچی، پلاک ۱۴۴، طبقه دوم، واحد ۴

۶۶۴۲۲۲۰۰-۰۹۱۲۲۰۱۷۸۹۶-۰۹۳۰۳۷۹۸۹۷۳۱

وب سایت: www.arshinpress.com

پست الکترونیک: info@arshinpress.com

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ و حق چاپ و برداشت تمام یا قسمتی از آن به صورت مجزوه، فتوکپی، چاپ و حتی دست‌نویس برای اشخاص حقیقی و حقوقی ممنوع می‌باشد و متفلقین بر اساس بند (۵) ماده ۲ قانون حمایت از ناشرین، تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

دانش آموز گرامی

این همدانه همراه با آرزوی موفقیت روزافزون شما، تمامی مراحل زندگی، به حضور تقدیم می گردد.

«همدانه»

با خود عهد مینماید «بهترین باشید و به دنیا ثابت کنید که شما بهترین هستید و دست یافته های شما با ارزش ترین است.»

با خود عهد مینماید «به بهترین فکر کنید و برای بهترین کار کنید آنگاه هدیه ی زندگی برای شما بهترین خواهد بود.»

با خود عهد مینماید «اشکالات گذشته را فراموش کنید و با غمی را بخ به سوی آینده ای سرشار از پیروزی حرکت نمایید.»

با خود عهد مینماید «این دیدگاه که عدم موفقیت دیروز، زمینه ای برای موفقیت امروز است ملکی ذهنان شود.»

با خود عهد مینماید «مرکز فراوش کنید که بهترین دوست حرکت خود شخص است؛ پس با خود مهربان باشید.»

با خود عهد مینماید «تاریکی را با آکنیزه ی روشن برافشانید، به دور دست ها برانید تا روشنائی با به شما بخند بزنند.»

با خود عهد مینماید «به تمام موجودات زنده با بخند نگاه کنید با این اسم: بخند زندگی، انرژی ای باور نکردنی نصیستان گردد.»

با خود عهد مینماید «حسن خوب مینماید بودن که مهمترین عامل به شرفست در مسیر به نیت است را با یاد آوری توانایی یاتان،

تجربه کنید و این حسن شیرین را برای دوستانان نیز به ارزان آورید.»

با خود عهد مینماید «مشتاق موفقیت دیگران باشید آنگاه خواهید دید که راه های موفقیت خود را نیز می آموزید.»

با خود عهد مینماید «ثبت میندیشید و حرف های مثبت بزنید زیرا این نگار ماست که نحوه ی زندگی ما را می سازد.»

با خود عهد مینماید «ایکون میندیشید: تمامی کائنات برای رشد و تعالی من خلق شده اند؛ ترس، خشم و نادانستی، حرکت نمی تواند

آرامش ذهنی مرا به هم بریزد.»

محل امضاء دانش آموز

خاطره‌های شنیدنی

کلاس اول، شهرستان بودم سال ۱۳۴۰. مسطای سال اومدیم تهران. به مدرسه اسمم را نوشتند. ما کتابمان دارا آذر بود ولی تهران آب بابا. معطلی بود برای من، هیچی نمی‌همید. البته تو شهر خودمون هم همچین خبری از شاگرد اول بودنم نبود ولی با سختی و بدبختی درسکی می‌خواندم.

تو تهران شدم شاگرد تنبل کلاس. معلم پیر و بی‌حوصله‌ای داشتیم که شد دشمن قسم خورده‌ی من. هرکس درس نمی‌خوند می‌گفت: «می‌خواهی بشی فلائی» و منظورش من بینوا بودم. با هزار زحمت، رفتم کلاس دوم. آنجا هم از بخت بد من، این خانم شد معلم.

همیشه ته کلاس می‌نشستم و گاهی هم چوبی می‌خوردم که یاده نره می‌هستم!!!

دیگر خودم هم باورم شده بود که شاگرد تنبلی هستم تا ابد!

کلاس سوم یک معلم جوان و زیبا آمد مدرسه‌مان. لباس‌های قشنگ می‌پوشید. خلاصه خیلی کار درست بود؛ او را برای کلاس ما گذاشتند. من خودم از اول رفتم ته کلاس نشستم؛ می‌دونستم جام اونجاست. درس داد، مثلاً گفت که برا فردا پیاریم. آنقدر به دلم نشسته بود که تمیز مشقم را نوشتم ولی می‌دونستم نتیجه‌ی تنبل کلاس چیست!

فرداش که اومد، یک خودنویس خوشگل گرفت دستش و شروع کرد به امضا کردن. من هم می‌گفتم شاخ درآورده بودیم آخه مشقامون را یا خط می‌زدن یا پاره می‌کردن. وقتی به من رسید با ناامیدی مشقامو نشون دادم؛ دستم می‌لرزید و قلم به بدت می‌زد. زیر هر مشقی یه چیزی می‌نوشت. خدایا برا من چی می‌نویسه؟

با خطی زیبا نوشت: «عالی»

باورم نمی‌شد بعد از سه سال این اولین کلمه‌ای بود که در تشویق من بیان شده بود.

لیخندی زد و رد شد.

سرم را روی دفترم گذاشتم و گریه کردم. به خودم قول دادم بهترین باشم... آن سال، با معدل بیست شاگرد اول شدم و همینطور سال‌های بعد همیشه شاگرد اول بودم.

وقتی کنکور دادم نفر ششم کنکور در کشور شدم و به دانشگاه تهران رفتم. یک کلمه‌ی به آن کوچکی سرنوشت مرا تغییر داد.

چرا کلمات مثبت و زیبا را از دیگران دریغ می‌کنیم به ویژه شما مادران، معلمان، استادان، مربیان، رؤیسان و ...

خاطره‌ای از پروفسور علیرضا شاه‌محمدی

«استاد روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه کنت انگلستان»

سخن ناشر

همیشه سخت ترین نمایش به بهترین ریگ خلق دارد

شاکی سختی های کنکور نباش

شاید تو بهترین بازیگر آن باشی

کنکور؛ استرس، بی خوابی، خستگی، شکست یا رقابت، جذابیت تلامذ موفقیت انتخاب هر کدام به نوع رفتار شما بستگی دارد. بسیاری دانش آموزان محترم را انبوه کتابهای قطور و غم باد گرفته در لابلای هزاران تست نزده و صدها کلاس نرفته که هر ثانیه از عمرشان چون صد سال می گذرد و جمله «کاش کنکور لعنتی بیاد بره» و «کی میشه یه دانشگاه کوفتی قبول بشه از دست این بچه راحت بشیم؟» ذکر روزانه اهالی کنکور شده اما از طرفی داریم کسانی که از هم اکنون اسب خود را زین کرده، روپوش پزشکی برتن و کلاه مهندسی بر سر نه به قبولی که به سمت رتبه شدن می تازند.

فهرست

الکتریسته ی ساکن

خازن و حل مدارهای خازن

جریان الکتریکی

حل مدارهای جریان الکتریکی

مغناطیس

القای الکترومغناطیس

نست های تکمیلی

فیزیک ۳